

آموزه‌های راهبردی دین در سلامت انتخابات براساس آراء امام راحل و مقام معظم رهبری

سید رحمت‌الله موسوی مقدم*

چکیده

نقش آموزه‌های دینی در سلامت انتخابات، براساس آرای امام راحل و مقام معظم رهبری که شرکت در انتخابات را فریضه دانسته و مصلحت نظام و بالندگی آن را در انتخابات سالم و آزاد می‌دانند، حداقل در سه محور، بسیار برجسته و قابل رصد است که عبارتند از: اصلاح دیدگاه و نگرش‌سازی، حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی و طراحی نظام ارتباطی کارآمد.

آموزه‌های دینی در بعد نگرش‌سازی، حضور در انتخابات را از جنس تکلیف دینی و فریضه جلوه می‌دهد نه به عنوان ابزار قدرت؛ در بعد حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی، مقولات اعتمادسازی و اثبات قابلیت ارزشی به معنای شایستگی حرفاًی و صلاحیت اخلاقی را پیشنهاد می‌دهد. در بعد نظام ارتباطی کارآمد، حضور دین و آموزه‌های آن، منجر به تعامل معقول، تأثیرگذاری معنوی، مصلحت‌محوری و تعالی معنوی می‌شود که در امر انتخابات، ارکان عقلانی محسوب می‌شوند. برآیند حضور دین در ابعاد مذکور، تضمین سلامت انتخابات است.

واژگان کلیدی

انتخابات، سلامت، آموزه‌های راهبردی دین، امام راحل و مقام معظم رهبری.

مقدمه

نظر به مسئله محور بودن پژوهش، طرح سؤال مبنایی مقاله، امری مهم و جهت دهنده است؛ براساس ساختار قابل ارائه موضوع، مهم‌ترین سؤال این مقاله می‌تواند این باشد که استراتژی و آموزه‌های راهبردی دین برای

prof_m1344@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۴

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی ایلام.
تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۸

سلامت انتخابات با تکیه بر آراء امام راحل و مقام معظم رهبری کدامند؟

برمبنا نگاه سیستمی دین در مقولات اجتماعی، طبعاً نقش آموزه‌های دینی در انتخابات، نقشی هویت‌ساز و پیش‌برنده است. کلیدی‌ترین محورهای قابل طراحی دینی در امر انتخابات، تبیین نوع نگاه به آن، حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی حاکم و کارآمد کردن نظام ارتباطی مقوله انتخابات است. آموزه‌های دینی در این ارکان بنیادین، بسیار زیاد و قابل تأمل است؛ در این مقاله بر اساس آموزه‌ها و استنادات دینی به بررسی مختصر تأثیر راهبردهای موجود بر رفتار انتخاباتی کاندیداها، رأی دهنده‌گان و ناظران انتخابات با تمرکز ویژه بر اخلاق و رفتار نامزدها به عنوان بازیگران اصلی صحنه می‌پردازیم.

بحث مفهومی

مهم‌ترین واژه‌هایی که به عنوان بنیادهای نظری مقاله، نیاز به تبیین مختصر و شاخص‌سازی دارند عبارتند از: دین، سلامت و انتخابات، که به در ادامه به آنها می‌پردازیم:

۱. دین: اصطلاح دین در این پژوهش، به معنای مجموعه آموزه‌هایی است که شأن پرستش دارند و از طرف خدا و به وسیله پیامبران الهی برای هدایت مردم آمده‌اند و چون از صفت خطانپذیر برخوردار است، به معنای مطلق طاعت، جزا و پاداش نیز به کار رفته است؛ (قرشی، ۱۳۶۴: ۳۸۰) یعنی همان شریعت که واجب‌الاطاعه و صراط مستقیم است. (انعام / ۱۶۱) آنچه در این مدل هدایت مابعدالطبیعی قابل تأمل است، شان فرعی و ضمانت اجرایی آن، مخصوصاً در یک نظام آرمانی و برای یک فرد موحد است. دین و آموزه‌های دینی‌ای که در این مقاله مدنظر است، دین و آموزه‌های اسلامی، یعنی دین به معنای اخض آن است.

۲. سلامت: واژه سلامت، به معنای وضعیت نرمال، معقول و به دور از نقص و کاستی یک شیء است. از آن جایی که این مقوله، هویت دینی هم دارد، علامه طباطبائی آن را به معنای دور بودن از هر گونه آفات ظاهری و باطنی به کار بردé است. (کرمانی و گرامی، ۱۳۶۴: ۵ / ۲۳۶) علامه در جایی دیگر آن را چنین تعریف می‌کند: «رهایی از هر گونه بدختی و شقاوتی که کار سعادت زندگی دنیا یا آخرت را مختل می‌سازد». (همان: ۳۷۹) براین اساس، سلامت آن ویژگی فعل آدمی است که دستیابی به هدف، موفقیت و سعادت انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی همان وضعیت نرمال، هنجار، معقول و شرع‌پسند که ناظر به صحت عمل و بهره‌مندی از آثار و نتایج فعل است.

۳. انتخابات: انتخابات، جریانی رسمی است که هر گام آن از پیش تعیین شده می‌باشد است؛ این امر برای تصمیم‌گیری مردم یا بخشی از مردم است که شخص یا اشخاصی را برای مقام، پست یا مسئولیتی و برای مدتی معلوم با ریختن رأی خود به صندوق‌های انتخاباتی برمی‌گرینند؛ هدف اصلی از انتخابات سیاسی، انتخاب نمایندگان مردم است که به آن «دموکراسی نمایندگی» می‌گویند. (<http://rahimfar.ir>) شرکت در انتخابات آزاد و منصفانه، یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی است که زمینه تحقق و توسعه

مشارکت سیاسی مردم را فراهم می‌آورد و آن را تنظیم می‌کند. مؤلفه‌هایی که در تعریف انتخابات بسیار مهم جلوه می‌کنند و ارکان آن را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: اصل آزادی، اصل قانون محوری و اصل آرمان‌گرایی. امام راحل با تأکید بر حق ولایت مردم بر سرنوشت خود و نیز رعایت قانون اساسی، سه اصل محوری مذکور را، اصول لاینفک و مبنای انتخابات می‌داند. اصل پنجاه و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی، این مهم را چنین بیان می‌کند:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم ساخته است؛ هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

امام راحل در تبیین این مسئله و تشریح وضعیت شورای ملی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

ما دیدیم که اسلام و کشور ایران، چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جناحتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد (پهلوی) خورد. و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جناحتکاران بی‌ارزش و نوکرمانی به کشور و ملت وارد شد؛ از بعد از مشروطه هیچ به قانون عمل نشده.

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۱۹)

براساس نظر امام راحل و نیز مقام معظم رهبری، نگاه آرمانی به انتخابات، رعایت قانون و آزادی انتخاب در تمام فرایند انتخابات بنا بر آموزه‌های دینی که در تمام فرازهای مقاله خواهد آمد، عوامل کلیدی سلامت انتخابات هستند.

دین، اصلاح دیدگاه و نگرش‌سازی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای نظری دین، تبیین نوع نگاه و تفسیر موحدانه امور در راستای جهان‌بینی توحیدی است؛ در این رویکرده، امور انسانی در عرصه تکلیف‌مداری، هویت اعتقادی یافته و مسئولیت برانگیزند. در چنین فرایندی، حضور آدمی در ایفای نقش اجتماعی چه در منصب انتخاب کننده و چه در منصب انتخاب شونده، حضوری سرنوشت‌ساز و مسئولانه است؛ بهویژه در مقولات تعیین سرنوشت نظام اجتماعی، بسان عرصه انتخابات که عامل هویتبخش معنوی یا اوانیستی الگوی اجتماعی است. مصاديق کاربردی این رویکرده، در این عرصه‌ها متجلی می‌گردند:

۱. ایجاد بصیرت معنوی (آگاهی دین محور): در تحلیل نسبت بین نظر و عمل در ساختار عمل گرایانه دین، اعتبار عقلی و منطقی رفتار فرد، در گرو تفکر اوست. یک نامزد انتخاباتی یا یک فرد معمولی نظام اجتماعی، فرانخور تفسیری که در کاربرد منطقی فعل اجتماعی دارد، می‌تواند سیر تفکر اجتماعی را ارزشی، معنادار و معقول یا برعکس، آلوده و ناپهنجار کند. قاعدة دینی در خصوص چنین حضوری، اصالت «نگاه توحیدی»

است؛ یعنی باید از چنان نظام فکری‌ای برخوردار باشد که تأثیر اجتماعی آن، منجر به سازندگی، هدایت و تفاهم اجتماعی شود نه منشأ تفرقه، فردیت و منیت طبقاتی.

امام علی^{علیه السلام} در این خصوص می‌فرماید:

من جری مع الهوی، عشر بالردي. (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۰۶)

هر کس همراه هواي نفس روان شود، به هلاک می‌رسد.

قرآن نیز می‌فرماید:

وتعاونوا علي البر و التقوي و لاتعاونوا علي الاثم و العداون. (مائده / ۲)

در راه نیکی و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید و در راه گناه و تعدی همکاری نکنید.

از مفاد دو عبارت قرآنی و حدیثی مذکور، به دست می‌آید که تنها اگر تفکر و دیدگاه انسان در بستر توحیدی رشد کند، می‌تواند منجر به تکامل معنوی شود؛ نقطه مقابل این تعبیر، تفسیر به رأی و مبنا قرار دادن هوای نفس و خواست فردی است که منجر به تکثر و تجمع قدرت و ثروت و نهایتاً طغیان می‌گردد. اگر برداشت افراد اعم از نامزدها، رأی دهندها و ناظران انتخابات از مقوله انتخابات در تمام ابعاد، الهی باشد، محصول انتخاب، تحول کیفی، سعادتبخش و پاداش آفرین است؛ و این یعنی سلامت انتخابات که محصول بصیرت دینی است.
۲. ولایت محوری: در نگرش دینی، ولایت، آدرس خدا و راه تلاقی با حقیقت است. کسی که در مسیر ولایت یعنی «رہبری معنوی» نیست، هیچ پاداش خیری بر فعل او مترب نیست؛ بر این اساس، منشأ سالم بودن یک انتخاب چه از طرف مردم و چه از طرف نامزدهای انتخاباتی و ناظران، محوریت کلام رهبری و رعایت استانداردهای معنوی او است.

شاهد بر این مدعاه، کلام وزین پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} است که می‌فرماید:

امتي، امتی، اذا اختلف الناس بعدي و صاروا فرقه فرقه، فاجتهدوا في طلب دين الحق، حتى

تكونوا مع اهل الحق. (بی‌نا، ۱۴۱۴: ۵۰۵)

ای امت من، هنگامی که مردم بعد از من دچار اختلاف شدند و فرقه فرقه گردیدند، در یافتن دین حق کوشش کنید تا از اهل حق باشید.

مفاد کلام پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} یعنی شاهراه بودن ولایت و امر ولی است؛ انتخابات عرصه تراحم سلایق متفاوت سیاسی، فکری و فرهنگی است؛ اگر کسی «معیار» نداشته باشد، انتخاب درستی ندارد. به همین سبب است که امام راحل می‌گوید:

من احساس وظیفه می‌کنم، به ملت عرض می‌کنم و اگر ملت به این حرف گوش نکردد، من حجت دارم؛ فردا در پیشگاه خدای تعالی از من سؤال خواهد شد، من عرض می‌کنم که به ملت،

مصالح و مفاسد را گفتم. من گفتم به اینکه اگر شما مسامحه کنید، آنهایی که می‌خواهند شما را به بند بکشند. آنهایی که با اسلام مخالفند، آنهایی که با جمهوری اسلامی از اول تا حالا مخالفت کرده‌اند، آنها خواهند پیش برد. (امام خمینی، ۱۳۷۸ / ۱۲ / ۱۸۲)

براساس این منشور، ولایت «شاخص» سلامت انتخابات است. هر نامزدی که عملاً با تفکرات رهبری و ولایت فقیه در تعارض یا عناد است، برای کاندیداتوری صالح نیست. اسلام، اصل ولایت‌مداری را مبنای صدق تمام ادعاهای ایمانی قرارداده است.

۳. عقلانیت در رفتار حرفه‌ای: در یک جریان سیاسی - اجتماعی عظیم مانند انتخابات، نقش اساسی در معیارشناسی مقوله سلامت، عملکرد درست نامزدهای انتخاباتی، ناظران انتخابات و نیز مردم است که اگر مبتنی بر عقلانیت و به دور از احساسات باشد، عرصه انتخاب، عرصه‌ای واقعی با نمادهای عینی برای معرفی و تبیین می‌شود. عقلانیت در این عبارت، ضامن بروز رفتارهای صحیح و مانع از تأثیر تفکرات و تعاملات حزبی، قبیله‌ای، احساسی و تعصب‌گرایانه است. هر کدام از این موانع، فضایی کاذب و باطل حق‌نما جلوه می‌دهند که تشخیص نادرستی آن، فراتر از فهم عامه و عقل عرفی است. به همین سبب است که حضور و معرفی سالم کاندیداها، منشأ سلامت انتخابات است. امیر کلام حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«من ملک عقله کان حکیماً؛ هر کس مالک عقلش باشد، حکیم است.» (کمپانی، ۱۳۶۲ : ۳۷۸)

حکمت در این کلام معصومانه، همان رفتار معقول است که از شخصیتی معقول می‌ترسد. در بیانش اسلامی، عامل سلامت عقل، تقوی و پرهیز کاری است؛ چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَ مِنْ يَتَّقَ اللَّهَ يَكْفُرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يَعْظِمُ لِهِ أَجْرًا» هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهان او را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد. (طلاق / ۵)

چنانچه فضا در رقابت انتخاباتی، جهل‌آلود و احساس برانگیز باشد، شاخص‌ها فراموش و نمادهای کاذب، معیار قرار می‌گیرند. یک نامزد با تقوی در این عرضه، دو مسئولیت مهم دارد: ۱. حضور عاقلانه و حکیمانه در عرصه؛ ۲. ایجاد بصیرت در انتخاب کنندگان. این دو خصیصه که با هم «تدبیر» نامیده می‌شوند، خود از شاخص‌های سلامت فکری و فرهنگی افراد به شمار می‌روند.

۴. پذیرش مسئولیت رفتار: فعل مسئول، فعل اختیاری و مبتنی بر حکمت است. مسئولیت، مولود نضج عقلانی و فضیلت اخلاقی است. هر کجا رفتار فرد از دایره بصیرت بیرون افتاد، مسئولیت و ارزیابی معنا ندارد. لذا، برگزیدن فردی که صلاحیت حاکمیت اجتماعی ندارد، در جهان‌بینی اسلامی، گناهی نابخشودنی است.

رسول خدا علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

من استعمل عاماً من المسلمين و هو يعلم أنَّ فيهم أولي بذلك منه و اعلم بكتاب الله و سنت نبيه، فقد خان الله و رسوله و جميع المسلمين. (امینی، ۱۴۰۳ : ۲۹۱)

کسی که مسئولیتی در جامعه مسلمانان بپذیرد در حالی که می‌داند در بین مسلمانان کسی از او اولی‌تر به امر [حکومت] وجود دارد، به خداوند و رسول و تمام مسلمانان خیانت کرده است.

براین اساس، کنش مسئول، کنشی است که در مقابل نظام عقیدتی پاسخگو باشد؛ یعنی ناشی از بصیرت دینی باشد. هر چه عرصه‌های عملکردی وسیع‌تر، نافذتر و برخوردارتر از قدرت باشند، برای حفظ سلامت، باید میزان تقید دینی و تعهد مذهبی آنها بیشتر باشد. انتخابات از همین سازوکارهای عریض و طویلی است که تنها مسئولیت معنوی می‌تواند ضامن سلامت آن باشد.

حاکمیت اخلاق و نظام ارزشی

از مصاديق حضور عینی دین و آموزه‌های وحیانی، عرصه اخلاق و نظام ارزش‌هاست. نظر به حساسیت و وسعت این عرصه در تمام مظاهر حیات آدمی، گستره آموزه‌های دینی در این عرصه هم تعجب برانگیز است؛ زیرا نظام ارزشی، ضامن اعتبار و صحت عمل فرد است؛ یعنی اخلاق به مثابه قطب نمایی است که هر لحظه، حضور معنوی انسان را رصد می‌کند. براساس تجارت انتخابات گذشته، قطعاً یکی از حلقه‌های مفقوده، اخلاق است. بدرفتاری‌های اخلاقی در عملکرد نامزدها و طرفداران آنها، به حدی است که وجود یک منشور اخلاق انتخاباتی در قالب «اخلاق حرفه‌ای» را ضروری می‌نماید. نقش آموزه‌های دینی در این عرصه را می‌توان حداقل در دو مولفه بنیادین ترسیم کرد که عبارتند از: ۱. اعتمادسازی. ۲. اثبات قابلیت خود (اصلاح بودن). اعتمادسازی، ناظر به فضایی همچون: گفتار صادقانه، رفتار صادقانه و هنجارگرایی است. قابلیت نیز معطوف به مقولاتی چون: انصاف اجتماعی، خودانتقادی و خدمتگزاری است. در راستای اثبات مدعای مذکور، به سخن حضرت علیؑ خطاب به مالک اشتر اشاره می‌کنیم که می‌فرماید:

فوّل علی امورک خیرهم و اخصص رسائلک التي تدخل فيها مكائدک و اسرارک با جمعهم
بووجه صالح الاخلاق من تبطره الكرامة. (نهج البلاغه: نامه ۵)

کارهایت را به بهترین آنها (کارگزاران) بسپار و نامه‌های سری، نقشه‌ها و طرح‌های مخفی خود را در اختیار کسی بگذار که دارای اساسی‌ترین اصول اخلاقی باشد؛ کسانی که موقعیت و مقام، آنها را سست و متزلزل نکند.

بر مبنای این منشور اخلاقی، عامل ضمانت سلامت امر انتخابات، اخلاق است. در ادامه مختصرأ به شرح مصاديق نظام ارزشی دین محور در فرایند انتخابات می‌پردازیم:
 ۱. اعتمادسازی: در طرح اخلاقی اسلام، گفتمان اعتمادسازی، حداقل در سه عرصه متجلی و ظاهر می‌گردد که عبارتند از:

(الف) گفتار صادقانه: اولین ابزار مواجهه فرد با همنوعان، نظام اجتماعی و عرصه مسئولیتی، ارتباط کلامی و

بیان است. صداقت در بیان، نشان از سلامت روان، اطمینان قلبی، اعتبار و صحت عقلی است. حضرت علی علیه السلام در این خصوص هم کلامی گهربار دارد و می‌فرماید: «من دلائل العقل، النطق بالصواب؛ یکی از نشانه‌های عقلانیت، سخن نیک است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۹)

قرآن نیز به عظمت صدق در ارتباطات اجتماعی، بارها اشاره کرده است:

من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليهيم. (احزاب / ۲۳)

در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند.

به لحاظ تقدیم گفتار در تعامل اجتماعی، صداقت اولین نماد اعتمادسازی و اعتبار انسان است. پذیرش چنین صفتی در افراد، امری فطری است؛ نامزدی که استوار در کلام نیست، اعتبار نمایندگی ندارد و فردی که صداقت ندارد، شایسته انتخاب نیست.

(ب) رفتار صادقانه: در قواعد اخلاقی، گفتار و رفتار، دو روی یک سکه‌اند. انحراف در رفتار، ناشی از انحراف در اندیشه و عدم صداقت است. رفتار یک کاندیدای انتخاباتی، معیار صدق و در واقع توجیه منطقی کلام او است. از جمله مصادیق انحراف رفتاری، می‌توان به حیله، تقلب، شخصیت کاذب‌سازی، بزرگنمایی خود، گزارش غیرواقعی و فخرفروشی اشاره نمود. به عنوان نمونه به زشتی مکر و حیله در نظام ارزشی اسلام از قول حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کنیم که می‌فرمایند: «المکر سجیه اللئام؛ حیله گری خوی مردم پست است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۵۳) برای عدم صلاحیت یک نامزد انتخاباتی، همین بس که ثابت شود از راه مکر و خدعاً وارد شده است.

مقام معظم رهبری، در این مورد استدلال وثیقی دارند و می‌فرمایند:

در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است؛ قدرت عاری از اخلاق، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است. و باز تأکید دارند، در اسلام، روش‌ها، خیلی مهم‌اند، روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

مصادیق صداقت رفتاری یک نامزد انتخاباتی متعهد عبارتند از: شعارهای صادقانه و قابل تحقق، عدم اسراف در تبلیغات، بزرگنمایی نکردن، پرهیز از تخریب و تحیر رقبا، التزام به عقود اجتماعی، وابسته نبودن به منابع قدرت و ثروت، تلاش برای سلامت انتخابات و پرهیز از گفتارها و حرکات تفرقه برانگیز.

(ج) هنجارگرایی: می‌توان هنجارگرایی را به وجہی معادل «تکلیف‌گرایی» لحاظ کرد. منظور از این قانون اجتماعی در عرصه انتخابات، این است که یک کاندیدای انتخاباتی با گفتارهای نامعقول، غیرواقعی و نیز رفتارهای تشنج‌آفرین، نظام و قواعد اجتماعی را به هم نزند و به میثاق‌های ملی، بومی و حتی عرفی نیز پاییند باشد. مثلاً از جمله هنجارهای مورد تأکید نظام اجتماعی و نخبگان این عرصه، قانون‌گرایی و احترام به قواعد انتخاباتی است.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌گوید: «شورای نگهبان، نقطه تضمین و تأمین نظام اسلامی است». (همان: ۵۵)

چون قوانین و مقررات انتخابات با نظارت استصوابی شورای نگهبان است، تقيید نامزدها به آن، نشان سلامت روش کار است که معادل تقيید به ارزش‌ها است.

هنجارگرایی، باعث انس و الفت کاندیداهای با مردم می‌شود و نوعی مهارت ارتباطی است که نماد عظمت روح و شخصیت فرد است. حضرت علی^{علیه السلام} در این خصوص می‌فرمایند: «الکرم حسن السجیه و اجتناب الدنیه؛ کرامت انسان در داشتن سرشت خوب و پرهیز از کارهای پست است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۱۱۷)

امروز هنجارشکنی، بزرگترین ترفند تئوریسین‌های جنگ نرم است که از آن به «نافرمانی مدنی» یاد می‌کنند. اگر این نافرمانی در لایه‌های بنیادین و حساس نظام مثل انتخابات باشد، منجر به فروپاشی نظام اسلامی می‌گردد. به همین سبب، رهبری معظم تأکید فراوان بر « بصیرت سیاسی » دارد. لذا بزرگترین هنجار، شرکت در انتخابات از طرف مردم و تلاش برای سلامت آن از طرف دولت و نامزدهای متعهد است. شرکت آگاهانه در انتخابات، خود یک هنجار دینی است؛ امام راحل در این خصوص می‌فرماید:

بنابراین، شرکت در انتخابات و حفظ نظام اسلامی، به اندازه نماز اهمیت دارد. چراکه تمامی اعمال و حتی روح عبادی نماز و اثرات اجتماعی آن نیز، در سایه حکومت اسلامی با قوانین اسلامی است. (رسایی، ۱۳۸۰: ۳۰)

از جمله هنجارهای قابل رعایت در فرهنگ اسلامی برای عرصه انتخابات، می‌توان به این امور اشاره نمود: رعایت عرف و حریم خصوصی دیگران، عدم ایجاد مزاحمت برای شهروندان در امر تبلیغات (رعایت قانون شهریاری)، احترام به ارزش‌ها و نمادهای اسلامی و دینی، رعایت خطوط قرمز فرهنگی و اعتقادی در تبلیغات، ساده‌زیستی، عدم تشنج در تعاملات بین گروهی و حزبی، شاخص محوری، احساس مسئولیت در مقابل خواست اجتماعی، رعایت فهم عامه در تبلیغات و احترام به انتخاب مردم.

۲. اثبات قابلیت خود (اصل اصلاح بودن): محصلو التزام به نظام دینی، شایستگی و قابلیت فرد است. در واقع، رسالت دین، رساندن انسان به مقام انسانیت است. شرط اول احراز هرگونه مسئولیت در جامعه اسلامی، شایسته‌سالاری است. مهم‌ترین شاخص احراز کارگزاری در منشور مدیریت اسلامی براساس عهدنامه مالک اشتر، صالح بودن فرد است.

حضرت علی^{علیه السلام}: خطاب به مالک اشتر در این باره چنین می‌فرماید:

ثم انظر في امور عمالك فاستعملهم اختياراً ولا توظم محاباه و اثرة فأنهما جماع من شعب الجور و الخيانيه. (نهج البلاغه: نامه ۳۵)

سپس در امور کارگزارانت دقت کن و بر مبنای ارزیابی درست، انتخاب کن نه بر اساس انگیزه‌های شخصی (و گرایش‌های جناحی) که این دو، از شاخه‌های ستم و خیانت است.

براساس این قاعده، تنها صلاحیت همه جانبه فرد است که او را از خیانت و ستم به دیگران باز می‌دارد.

در خصوص احراز قابلیت یک نماینده، مازاد بر نگرش درست و صلاحیت اخلاقی، حداقل مؤلفه‌های اثبات این مدعای طرف نامزدها در سه مصدق مهم و کاربردی متجلی می‌شود که عبارتند از: انصاف اجتماعی، خودانتقادی و خدمتگزاری که باید توانماً در فرد متقاضی کاندیداتوری، ناظران انتخابات و انتخاب‌کنندگان موجود باشند که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

(الف) انصاف: اولین صفت کاربردی در فرایند انتخابات مخصوصاً برای یک نامزد انتخاباتی بر اساس آموزه‌های دینی، صفت عدالت و انصاف است؛ زیرا تنها با این صفت است که می‌تواند در قبال طرفداران و آحاد جامعه، مسئول و پاسخگو باشد. وقتی مردم به فردی اعتماد می‌کنند و او را حاکم بر مقدرات خویش قرار می‌دهند، در صورتی که حق مطلب را ادا نکند، در فرهنگ اسلامی ظالم است.

حضرت علی علیہ السلام در این خصوص چنین می‌فرماید: «اجور الناس من ظلم من انصافه؛ ستمکارتین مردم، کسی است که درباره آنکه با او به انصاف رفتار کرده است، ظلم کند». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸) از جمله مصاديق ظلم در مقام نمایندگی مردم، می‌توان به: فراموشی مردم، استبداد ذهنی، گروه‌گرایی، اولویت قدرت و ثروت بر مسئولیت، حمایت از خواص، بی‌توجهی به محرومین و سوء استفاده از مقام، اشاره نمود. کسی که چنین کند، مطابق این حدیث شریف از مولای متقیان، مورد عقاب شدید خداوند است:

بئس الزاد الي المعاد، العدوان علي العباد. (همان: ۱۰۷)

بدترین توشه برای آخرت، دشمنی بر بندگان خداوند است.

(ب) خودانتقادی: در آموزه‌های اسلامی، فردی که می‌خواهد خود را در منصب حاکمیت قرار دهد و نیز افرادی که او را تعیین صلاحیت می‌کنند و مردمی که وی را بر می‌گزینند، در واقع خود را در مسند نقد اجتماعی قرار داده‌اند. اگر چنین افرادی، ارزیاب خود نباشند، دیگران به ناچار آنها را نقد خواهند کرد و عیوبشان را بر ملا خواهند ساخت. در تعبیر حضرت امیر علیہ السلام مراقبه و محاسبه نفس، ضامن آبروی فرد است و حفظ آبرو، بالاترین مردانگی و اوج غیرت است؛ طبق این بیان:

افضل المروءة، المروءة الاستبقاء الرجل ماء وجهه. (همان: ۱۲۷)

برترین جوانمردی، این است که فرد آبروی خود را حفظ کند.

اصل خودانتقادی عرصه انتخابات، دو سویه دارد؛ سویه نامزد انتخاباتی و سویه انتخاب‌کنندگان؛ یعنی هم فرد متقاضی کاندیداتوری باید نقاد داشتنی‌های خود باشد و هم مردم باید مراقب انتخاب خود باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

فبشر عباد الذين يستعملون القول فيتبعون أحسنـه. (زمر / ۱۸)

پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

این قاعده، بزرگترین نماد و عامل سلامت انتخابات است. هر چه معیارها برای فرد و جامعه، دقیق‌تر، ظرفی‌تر، منطقی و معقول‌تر باشند، فیلتر عبور برای رقابت، تنگ‌تر و بروزرفت آن، کم‌آلایش‌تر است.

ج) خدمتگزاری: در دولت اسلامی، حاکم، خادم مردم است. به عبارتی مفهوم قدرت، تبدیل به مسئولیت و خدمتگزاری می‌شود. یعنی مسئولیت، امانت است نه طعمه، حضرت علی^{علیہ السلام} در نامه‌ای به اشعث بن قیس والی آذربایجان چنین می‌فرماید: «ان عملک لیس لک بطعمه ولکنه فی عنق امانه؛ مسئولیت تو طعمه‌ای در دست تو نیست، بلکه امانتی در گردن توست». (نهج‌البلاغه: نامه ۵) بر این اساس است که امام راحل، می‌فرماید:

اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند. رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده است که خدمت بکنیم. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

یک نماینده صالح، باید دردآشنای مردم، برای مردم و حافظ مردم باشد. در منش اجتماعی و تعاملات رفتاری، باید مرز و فاصله‌ای بین مردم و نماینده‌گان آنها نباشد؛ یعنی نماینده‌گان مجلس که خادمان مردمند، باید از چنان منشی برخودار باشند که مردم به راحتی بتوانند آنها را مورد مؤاخذه قرار دهند.

امیر کلام در این خصوص می‌فرماید: «لن تقدس امه لا يوحن للضعف فيها حقه من القوي غير مستمع؛ هبیج امتي، منزلت و رشد پیدا نمی‌کند، مگر اینکه در آن، ضعیف حق خود را بدون لکن زبان از قوی بستاند».

(نهج‌البلاغه: نامه ۵)

مقام معظم رهبری هم تأکید دارند که:

در منطق اسلامی، قدرت، عزت، آبرو، خوشنامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود، جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بلندی است که انسان‌ها، نیازمند آند. (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۵۱)

بنابراین همه گفتار وثيق و ماندگار ديني، نماینده‌ای که عزم خدمتگزاری ندارد، غاصب اين مسند و مطروح جامعه ديني است؛ نگاه خدمتگزارانه، صرفاً معطوف به نامزدان انتخاباتی نیست، بلکه رأى دهنگان و ناظران انتخابات هم باید آن را تکلیف دینی به حساب آورند؛ زیرا عدم احساس مسئولیت دینی آنها هم به شدت سلامت انتخابات را خدشه‌دار می‌کند.

نظام ارتباطی کارآمد

بحث کیفیت، تأثیرگذاری و جهت‌دار بودن نظام ارتباطی، در متن و صدر آموزه‌های دینی قرار دارد؛ زیرا، تمام هویت انسان و بعد اجتماعی و کاربردی او، فقط در ارتباط هویدا می‌گردد؛ چه ارتباط با خود، چه با خدا و چه با مردم که بند اخیر در فرهنگ اسلامی، وزین‌تر و برجسته‌تر است. نظام ارتباطی در عرصه انتخابات، در این مصاديق ظاهر می‌شود: تعامل معقول، تأثیر معنوی، مصلحت محوری و تعالی معنوی که مختصرًا به شرح آنها می‌پردازیم.

۱. تعامل معقول: معقولیت تعامل، فرد را واقع‌بین، مسئول و ارزشی بار می‌آورد. چون عقل، امری واقعی^۱

است و از متosل شدن به احساس، شایعه، دروغ و امور غیرواقع، ابا دارد.

اگر نامزدهای محترم انتخابات در ارتباطاتشان با مردم و نیز مردم با آنها و همچنین دستگاه نظارت با هر دوی آنها، معقول و منطقی رفتار نمایند، سلامت انتخابات تضمین می‌شود. یعنی تعامل منطقی، ضامن سلامت انتخابات و عامل بقای آن است. در منش دینی، نوع ارتباط با مردم، بسیار با اهمیت است؛ به حدی که تمام پیامبران و معصومین به آن توجه خاص داشته‌اند. از جمله پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «أنا معاشر الاتباع نكلم الناس علي قدر عقولهم؛ ما پیامبران با مردم به اندازه درکشان صحبت می‌کنیم». (کلینی، ۱۴۰۱: ۱ / ۱۳۴)

اساس در تعامل معقول، درک سطح فهم و شعور سیاسی مردم است. در مسئله انتخابات، هرگونه سوء استفاده از احساسات پاک مردم و اغواه آنها در راستای تقویت خود، خیانت محسوب می‌شود و مستوجب عقاب است.

حضرت علی علیه السلام در خصوص جایگاه عقل در ارتباطات اجتماعی چنین می‌فرماید: «من دلائل العقل، النطق بالصواب؛ سخن درست گفتن، یکی از نشانه‌های عقل است». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۳۷۹)

قرآن کریم نیز رویکردهای متنوعی در خصوص اهمیت تعامل اجتماعی و تأثیر آن در تکامل معنوی دارد.

از جمله درباره حضرت اسماعیل می‌فرماید:

و اذکر في الكتاب اسماعيل، انه كان صادق الوعد و كان رسولًا نبياً. (مریم / ۵۴)

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌اش صادق و رسول و پیامبری بزرگ بود.

در فرازی دیگر در مورد وفای به عهد چنین می‌فرماید:

... اوفوا بالعهد، ان العهد كان مسئولاً (اسرا / ۳۴)

به عهد وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.

وقتی انسان به زیور عقل و منطق آراسته شد، انحراف فکری، اخلاقی، سیاسی و عملکردی او به شدت کاهش می‌بابد. از آنجایی که نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری در عرصه انتخابات سوار بر موج تبلیغات و رسانه‌ها هستند و امکان عدول از دایره عقل برای آنها نیز بالا است، توجه به میزان تعامل معقول در متن تبلیغات، نشان سلامت فرد نامزد است.

۲. تأثیرگذاری معنوی: نظر به جایگاه حقوقی و سیاسی رفیع مجلس و نقش آن در ایجاد بصیرت دینی و معنوی، خود عرصه انتخابات هم، باید بصیرت‌افزا و معنویت‌بخش باشد. رأی افراد، در واقع تجلی میزان عقلانیت و درایت آنان است، همان طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قيمة كل امرء عقله؛ ارزش هر کسی به قدر عقل اوست». (کمپانی: ۱۳۶۲: ۳۷۷)

1. Realistic.

زمانی فرایند انتخابات منجر به اثرگذاری معنوی می‌شود که افراد، آن را امری اعتقادی بدانند نه سیاسی صرف. نامزدها هم باید به این مقوله توجه جدی داشته باشند که با اعتقادات مردم بازی نکنند. به همین دلیل شرکت در انتخابات، یک تکلیف است و انجام درست تکلیف، کسب معنویت و پاداش الهی است.

۳. مصلحت محوری: شاخص در امر انتخابات، حفظ نظام و حکومت اسلامی است. مصلحت اجازه نمی‌دهد که هر کس با هر عقیده، مرام، ارزش، سبک زندگی، امکانات مادی و مد تبلیغاتی خود وارد عرصه شود؛ بلکه باید برای حفظ نظام، ماهیت انقلاب و ارزش‌های دینی، اصول بنیادین و ارکان فرهنگ اسلامی در تمام فرایند انتخابات حفظ شود که این خود عین سلامت و در مسیر بودن است. در نگرش اسلامی، انسان بدون مدد از دین و راویان آن، نمی‌تواند مصلحت را بشناسد؛ قرآن در این خصوص چنین می‌فرماید:

واطیعواهه و رسوله و لاتنازعوا فتفشلو و تذهب ریحکم و اصبروا، ان الله مع الصابرين. (انفال / ۴۶)
و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت شما از میان می‌رود؛ و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

به صراحت از این آیه به دست می‌آید که اولین شاخص رعایت مصلحت در امور اجتماعی، ولایت‌محوری است. علت شاخص بودن مقوله ولایت و شأن رهبری آن، این است که تلبیس معنوی به رداء ولایت، ضامن مصونیت اخلاقی، اعتقادی، فردی، سیاسی و اجتماعی است. زیرا رابطه مردم با ولی، رابطه مرید و مراد است. از طرفی، ولی فقیه نماد نظام و حکومت اسلامی است.

۴. تعالی معنوی: سه مؤلفه قبلی این محور، یعنی تعامل معقول، تأثیرگذاری معنوی و مصلحت محوری، به وجهی حداقل‌های مورد انتظار آموزه‌های دینی در هر امر اجتماعی و انتخابات است؛ یعنی اگر عرصه انتخابات، فاقد این صفات باشد، خود جریانی انحرافی و مخل نظام ارزشی است. صفت چهارم، یعنی تعالی معنوی، شأن واقعی فرایند انتخابات را بالا می‌برد و عملاً نشان می‌دهد که عرصه آن، عرصه‌ای پاک، سالم و بالنده است؛ یعنی انتظار دین، حاکم دینی و ولی فقیه از مردم و مسئولان، این است که انتخابات از چنان سطحی از عقلانیت برخوردار باشد که فرایند آن منجر به بصیرت معنوی، ارتقای شعور سیاسی مردم، اقتدار ملی و جهانی نظام، یأس دشمنان و استقلال ملی گردد؛ یعنی تبدیل به دانشگاهی شود که منجر به تولید علم و بالندگی اجتماعی گردد. نقش تعالی معنوی انتخابات، به عنوان بالاترین محصول آن، در واقع در گرو رعایت تمام محورها و مؤلفه‌های قبلی است؛ یعنی اگر فرایند مذکور در مقاله، طی نشود، نه تنها نظام انتخاباتی منجر به تعالی معنوی نمی‌شود، بلکه خود، مظہر فتنه و انحراف می‌گردد.

در تأیید مدعای مذکور، پیامبر اکرم چنین می‌فرمایند: «من آثر علی اخیه بامر، یعلم ان الرشد في غیره فقد خانه؛ هر کس برادر خود را به امری برانگیزد، درحالی که بداند رشد و هدایت در غیر اوست (دیگری) به او خیانت کرده است». (سجستانی، ۱۳۸۷ / ۳: ۳۲۱)

براین اساس، حضور در انتخابات باید چنان معقول، صادقانه، دلسوزانه و رشد برانگیز باشد که خود، راه هدایت و تابلوی راهنمای مردم باشد. چنان‌که غیر از این باشد، مصدق صریح این بیان پیامبر و مستوجب عقاب الهی است که:

من غش المسلمين في مشورةٍ فقد برئت منه. (شيخ صدوق، ۱۳۸۹: ۲ / ۶۶)

هر کس که در مشاوره دادن به مسلمانان، دغلبازی کند من از او برائت می‌جویم.

در این برهه که اسلام و انقلاب اسلامی، مورد هجوم همه جانبه دشمنان قرار گرفته و اصل نظام و شاخص‌های راهبردی آن یعنی ولایت فقیه، مردم سالاری دینی و حکومت اسلامی، در معرض بدترین تحلیل‌های انحرافی قرار گرفته‌اند، تنها با داشتن انتخابات و نمایندگانی سالم و صالح است که می‌توان به آینده امیدوار بود. بنا به تعبیر رهبر معظم انقلاب، انتخابات باید خون تازه‌ای در رگ نظام بجوشاند و آن را پویاتر، گویاتر، مقتدرتر و سربلندتر نماید. و همه اینها یعنی تعالی معنوی.

نتیجه

براساس ساختار پژوهش، یافته‌ها و تحلیل مطالب، در نسبت بین سلامت انتخابات و عمل به آموزه‌های دینی و معیار قرار دادن دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری به عنوان معماران انقلاب و شاخص سلامت نظام، به دست می‌آید که: مقوله سلامت، در هر کجا به کار رود، مقوله‌ای معنوی و متافیزیکی است؛ یعنی منشأ دینی و وحیانی دارد. براین اساس، تأمین آن جز در سایه رهنماوهای دینی، تعامل منطقی عقل و دین با حاکمیت دینی و مینا قرار دادن نظر و دیدگاه رهبران دینی به عنوان شاخص و معیار، امکان‌پذیر نیست. این مقوله (سلامت)، هر چه در گستره بالاتری لحاظ شود، تأمین پشتونه دینی آن، ناگزیرتر و پر رنگ‌تر است. نظر به ماهیت دینی، اجتماعی و سیاسی انتخابات و عجین بودن آن با مقوله قدرت، ثروت، سرنوشت ملی، هدایت و سعادت جامعه، تزریق راهبردهای دینی در پیکر آن از آغاز تا پایان امری ضروری، منطقی و لاینفک است؛ بدون استمداد از مقولات و آموزه‌های دینی، نه مصالح اجتماعی، نه شاخص‌ها، نه ارزش‌ها، نه اصلاح‌ها، و نه آینده مطلوب، قابل شناسایی، رصد، آسیب‌شناسی و نگهداری نیستند. تعیین این مؤلفه‌ها، فقط و فقط شأن دین و منویات دینی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی فاطمی.

۴. امینی، عبدالحسین، ۱۴۰۳ق، *الغدیر*، ج ۸، بیروت، دارالکتب العربی.
۵. بی‌نا، ۱۳۷۸، کلمات قصار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی *فاطمه*، ج اول.
۶. بی‌نا، ۱۳۸۲، دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر، معیارهای یک انتخاب از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، الهادی، ج اول.
۷. بی‌نا، ۱۴۱۴ق، *جامع الاخبار للشعيري (جامع الصغير)*، بیروت، دار الفکر.
۸. حجتی کرمانی، محمدجواد و محمدعلی گرامی، ۱۳۶۴، *المیزان*، ج ۵، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۹. رسائی، حمید، ۱۳۸۰، انتخابات و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی *فاطمه*، قم، دفتر نشر معارف، ج دوم.
۱۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۳۸۷، *سنن ابی داود*، ج ۳، قم، مؤسسه فرهنگی تیان.
۱۱. شیخ صدوق، ۱۳۸۹، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج پنجم.
۱۲. قرشی، سیدعلی ابر، ۱۳۶۴، *قاموس قرآن*، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج چهارم.
۱۳. کلبی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱، *اصول الکافی*، ج ۸، قم، دارالصعب و دائرة التعارف.
۱۴. کمپانی، فضل الله، ۱۳۶۲، *منتخب الغرر*، تهران، مفید، ج اول.

15. www.rahimfar.ir/p/317.

16. www.ghahanentekhab.blogfa.com